

معابد بودایی برمه (میانمار)

علی فرح‌بخش

پیرامون پیشینه‌ی آیین بودا در برمه (میانمار)، در کتاب هینه‌یانه، این‌گونه گزارش شده: «بنا به سنتی که در گاهنامه‌های سیلانی آمده، آشوکا (Ashoka) دو رهرو بودایی به‌نام‌های سونه (Sona) و اوتره (Uttara) را برای بشارت آیین بودا به سوورنه‌بوم (Suvarnabhumi) فرستاد که امروزه عموماً آن‌را همین برمه می‌دانند. برخی هم آن‌را سیام یا تمام هندوچین دانسته‌اند.

روشن نیست که آیین بودا پیش از قرن پنجم میلادی در برمه رواج یافته باشد، گرچه به سبب نزدیکی برمه به هند و وجود راه‌های نه‌چندان دشوار میان هند و برمه، که حتی پیش از میلاد مسیح هم در آن آمد و شد می‌کردند، این امکان هست که پای آیین بودا پیش از این تاریخ به برمه رسیده باشد. اما از قرن پنجم به این طرف، گزارش‌های دقیقی مبنی بر رواج آیین بودای تیره‌واده در این سرزمین در دست است، خاصه در قلمرو کهن پیوس (Pyus)، معروف به شری‌کشیت‌ره (Sriksetra)، که پایتخت آن نزدیک پرومه (Prome) بود و خرابه‌های آن در هماوازا (Hmawaza) به‌چشم می‌خورد. از جانب شرق هند، آیین مه‌پایانه به برمه رسیده بود. دلیل‌های خوبی در دست است که تیره‌واده در میان مون‌های (Mon) هندو شده یا تلینگ‌های (Talaing) ساکن پیگو (Pegu) و سایر مناطق مجاور که مجموعاً رامنیه-دیس (Ramanna-desa) خوانده می‌شد، رواج داشته‌است.

کمی پیش از قرن یازدهم میلادی، تتون (Thaton)، مرکز مهم این دین شد. پیش از این هم، مرمه‌ها (Mramma)، که قبیله‌ای تبتی-دراویدی بودند، قلمرو نیرومندی بنا نهاده بودند که پایتخت آن در پاگان (Pagan) بود. مرمه‌ها قومی چندان با فرهنگ نبودند و شکلی از آیین بودای تانتری در میان‌شان رواج داشت. در سال ۱۰۴۴، شاه تازه‌یی به‌نام انورته (Anwartha) بر تخت پاگان نشست و به‌دست یک رهرو تلینگ از مردم تتون به‌نام ارهن (Arhan) یا درمه‌درشی (Dharma-darsi) به تیره‌واده گروید و همین موجب رواج این آیین در این قلمرو شد. جنگی میان این پادشاه و شاه تتون درگرفت و پاگانی‌ها پیروز شدند و همین خود سبب شد که مردم این سرزمین، آیین بودا و ادبیات و خط مون‌ها را بپذیرند. پس از این، کم‌کم تیره‌واده در سراسر برمه رواج یافت و دین برهمنی، جای خود را به آیین بودا داد.

به کوشش انیروده بود که پاگوداهای (Pagoda) بی‌شمار و دیرهای بسیاری در سراسر برمه ساخته شد و همو بود که نسخه‌های کامل سه سید (کتاب مقدس بودایی‌ها) را از سیلان به برمه آورد. پسرش کیان‌زیت (Kyanzitha) راه پدر را دنبال کرد و معبد معروف آنده (Ananda) را در پاگان ساخت.

از معابد باستانی برمه که امروزه بسیار مشهور است می‌توان به معبد شویداگون پایا (Shwedagon Paya) (یا شویداگون پاگودا) اشاره کرد. این معبد، در واقع یک استوپای (Stupa) مطلای ۹۸ متریست که در شهر یانگون (Yangon) برپا شده‌است. پایا معبدی بسیار مقدس برای بوداییان برمه به‌حساب می‌آید که - احتمالاً - بقایایی از بودا در آن نگه‌داری می‌شود. در افسانه‌ها نقل شده‌است که این معبد،

دو هزار و پانصد سال پیش ساخته شد، اما کارشناسان معماری، بر این باورند که ساختمان امروزی معبد احتمالاً بین قرن‌های ششم و دهم میلادی ساخته شده‌است.

بر طبق داستان‌ها، دو برادر بازرگان، پس از ملاقات مستقیم با بودا، هشت عدد از موهای وی را دریافت کردند و به برمه انتقال دادند. این دو برادر، به کمک پادشاه محلی منطقه، ابتدا تپه‌ای به نام سینگوتارا (Singuttara) را برای حفاظت از بقایای بودا در نظر گرفتند که بعدها به معبد بدل شد. آن‌گاه که موهای بودا را در یک جعبه‌ی طلایی قرار دادند، اتفاق شگفت‌انگیزی رخ داد که در افسانه‌ها این‌گونه نقل شده: «آن‌جا، در میان آدمیان و ارواح و اجانین، آشفتگی و همهمه برقرار بود. به ناگاه، پرتوهایی از آن تارهای مو به‌سوی آسمان (بهشت) و دوزخ انتشار یافت. کور، بینا شد. ناشنوا، شنوا. گنگ، به‌وضوح زبان گشود. زمین به لرزه درآمد. بادهای اقیانوس وزیدن آغاز کردند. کوه‌ها متزلزل شدند. آسمان غریب و درخش در آن رخ نمود. باران جواهر از آسمان به فرودست باریدن گرفت، آن‌چنان که زمین، تا سر حد زانوان، پُر گوهر شد. تمامی درختان هیمالیا، هرچند که در موسم رویش نبودند، پر میوه و غرق در شکوفه شدند.»

این استوپا در طول تاریخ بر اثر حوادث طبیعی از قبیل زلزله، بارها تخریب و بازسازی شد.

معبد دارای چهار دروازه‌ی ورودی‌ست که شما را به‌سوی صحن اصلی، هدایت می‌کنند. در ورودی‌های شرقی و جنوبی، دستفروشان هستند که انواع طلسم‌های خوشبختی، تمثال‌های بودا، چوب‌های بخور و گل می‌فروشند. دو چننه (Chenthe) که حیوانی‌ست با نیم‌تنه‌ی شیر و نیم دیگر اژدها، و نمادی‌ست از محافظت معبد، در دروازه‌ی جنوبی رؤیت می‌شود. پایه‌های معبد با آجرهای پوشش یافته با طلا، مزین شده. تاج استوپا با ۵۴۴۸ قطعه الماس و ۲۳۱۷ قطعه یاقوت، زینت یافته که در راس آن، یک قطعه الماس به وزن ۷۶ قیراط قرار دارد. تمامی طلاهایی که به‌صورت ورقه، آجرها را پوشش داده‌اند از طلای خالص تهیه شده که گاه با پرچم‌های باستانی، مزین شده‌اند. مراجعین و زائرانی که از سراسر کشور برای زیارت این معبد حضور می‌یابند، ورقه‌های نازک طلا را به‌رسم پیشکش به معبد اهدا می‌کنند. این رسم از صدها سال پیش مرسوم بوده و هست.

مراجعین، قبل از ورود به معبد باید کفش‌های خود را در آورده و در استوپا نیز در جهت گردش عقربه‌های ساعت حرکت کنند. این معبد، آن‌چنان مشهور و خیره کننده است که حتا نام آن در کتاب‌های ادبی جهان، از قبیل کتاب «از دریا تا دریا» نوشته‌ی رودیارد کپلینگ (Rudyard Kipling) نیز مشهود است. این نویسنده در طول سفرهای خود، در سال ۱۸۸۹ معبد را رؤیت، و ده سال بعد، گزارش‌های خود پیرامون آنرا در کتاب‌اش روایت کرد.

علی فرح‌بخش

سپتامبر ۲۰۱۱